



وزیر آموزش و پرورش:

زورمان به مافیای کنکور نرسید

گروه جامعه: روز گذشته وزیر آموزش و پرورش در یک سخنرانی اعلام کرد: در مسیری افتاده‌ایم که معلم و کارشناس برنامه آموزشی تلاش کرده‌اند تا حس پرسشگری را در دانش‌آموزان شکوفا کنند، اما یک مؤسسه غیرحرفه‌ای می‌آید و یک کتاب...

صفحه ۱۳

چهارشنبه ۱۸ مهر ۱۳۹۷ ۳۰ محرم ۱۴۴۰ ۱۱۰ اکتبر ۲۰۱۸

تیترا

گزارش «شرق» از بررسی ابهامات طرح سهمیه سوخت مرزنشینان در استان سیستان و بلوچستان

سوخت‌بران می‌سوزند

صفحه ۵

لاریجانی در نشست رؤسای مجالس اوراسیا:

ایران و روسیه درباره سوریه توافق کامل دارند

صفحه ۲

علی مطهری به یادداشتان کل کشور درباره پیامک‌ها نامه نوشت

تظلم‌خواهی مجلس

صفحه ۲



خاموشی صدای گزارشگر قدیمی فوتبال «بهرام» آرام گرفت

صفحه ۱۴

حرف اول

«سلامت روان» در خطر

حسین نامری - روان‌شناس پیشگیری



«سواد سلامت روان» زیرمجموعه حوزه کلی‌تر آن یعنی «سواد سلامت» است. سواد سلامت به واسطه این‌دست از مشاهدات شکل گرفت که اگر سواد کاربردی افراد ضعیف داشته باشد، سلامتی آنان نیز آسیب خواهد دید. بر اساس یکی از تعاریف، سواد سلامت عبارت است از توانایی خواندن و درک توضیحات مندرج بر انواع داروها و دیگر اقلام مرتبط؛ به‌گونه‌ای که بیمار به‌درستی بتواند از آنها استفاده کند. سازمان جهانی بهداشت تعریف سواد سلامت را این‌گونه گسترش داد: مهارت‌های شناختی و اجتماعی که انگیزه و توانایی افراد را در کسب، درک و به‌کارگیری اطلاعات برای حفظ و ارتقای سلامتی تعیین می‌کنند. پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند ضعف در سواد سلامت تأثیرات منفی فردی و اجتماعی مهمی نظیر افزایش نرخ بیماری‌های مزمن و حتی مرگ زودهنگام را به دنبال دارد. نکته مهم این است که سواد سلامت در پیش‌بینی وضعیت سلامتی فرد در مقایسه با شاخص‌هایی مانند سطح درآمد، وضعیت شغلی، تحصیلات، نژاد یا قوم، به‌مراتب دقیق‌تر است. با این توضیحات، به مفهوم سواد سلامت روان پرداخته می‌شود. در ابتدا سواد سلامت روان به‌عنوان دانش و باورهای مربوط به اختلالات روان‌شناختی در نظر گرفته می‌شد که شناسایی، درمان و پیشگیری از آنها را به دنبال داشت. بر این اساس، سواد سلامت روان مشتمل بر سه مؤلفه است: ۱) شناخت اختلالات روان‌شناختی؛ این مؤلفه خود به دو جزء شناخت علائم و اختلالات تقسیم می‌شود. شناخت علائم عبارت است از اینکه فرد بتواند افکار، رفتار یا دیگر علائم یک اختلال روان‌شناختی را بدون آنکه بدانند دقیقاً به چه اختلالی مربوط می‌شود، شناسایی کند. مثلاً وقتی فرد مشاهده می‌کند تلاش و سخت‌کوشی معمول خود را به کنار گذاشته، متوجه می‌شود مشکلی وجود دارد. شناخت بیماری این است که با توجه به مجموعه‌ای از علائم، فرد بتواند تشخیص دهد پای یک اختلال در میان است. ۲) دانش: این مؤلفه اصلی‌ترین بخش از سواد سلامت روان محسوب می‌شود که خود از چهار جزء تشکیل شده ست: الف- اینکه فرد بداند از کجا و چگونه اطلاعات سلامت روان را دریافت کند. یافتن کتاب‌ها، مکان‌ها، شبکه‌ها و سامانه‌های ارائه‌دهنده اطلاعات مرتبط، دوستان، خانواده، معلمان یا منابع گسترده‌تری نظیر رسانه‌های جمعی در این بخش جای می‌گیرند.

ادامه در صفحه ۴

سهمیه‌بندی سناریوی جدی دولت

وزیر کشور احیای کارت هوشمند برای کنترل قاچاق سوخت را پیشنهاد داد

گروه اقتصاد، شکوفه حبیب‌زاده: حاشیه سود بالای فروش سوخت در داخل و لب مرز، چنان بازار قاچاق را داغ کرده که دیگر مسئولان را به فکر چاره‌اندیشی برای آن انداخته است. راه‌حلی که البته به نظر نمی‌رسد همان افزایش قیمت باشد، چراکه التهاب ایجادشده به‌واسطه تحریم، نوسانات نرخ ارز و گرانی‌های پی‌درپی و افزایش نرخ تورم، چیزی نیست که ریسک حاصل از آن را هر دولت یا مجلسی بتواند بپذیرد. به‌همین دلیل هم هست که وزیر کشور در اظهارنظری احیای دوباره کارت



نیکو هیل، نماینده آمریکا در سازمان ملل استعفاداد

خداحافظی یار ترامپ

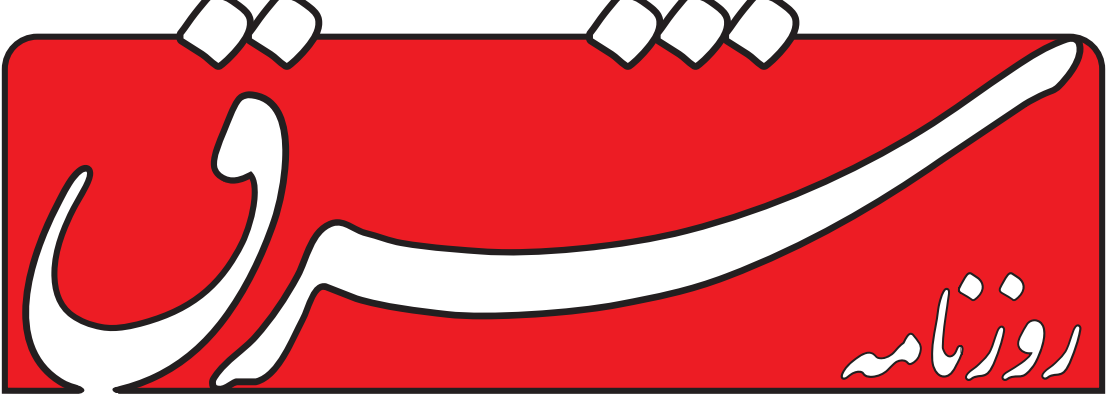
بود و ما در کنار هم اقدامات فوق‌العاده‌ای را به انجام رساندیم. این در حالی است که استعفای نیکو هیل، شگفتی مقامات عالی‌کاخ سفید، از جمله مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، را به دنبال داشته است. حتی برخی این اقدام را چنین تعبیر کرده‌اند که او می‌خواهد برای دوره بعدی انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا شود، اما نیکو هیل در کنفرانس خبری خود این گمانه‌زنی را رد کرد و گفت که در انتخابات دو سال بعد کنار دونالد ترامپ خواهد ماند. نماینده آمریکا در سازمان ملل، درباره مسائل ایران و کره‌شمالی با زبانی صریح و تند واکنش نشان می‌داد و هم‌زمان درباره مسائلی مثل تحریم‌های روسیه، پناه‌جویان و ارزش‌های سازمان ملل، بارها موضعش را تغییر داد.

نیکو هیل، یکی از اعضای اصلی هدایت‌کننده تیم سیاست خارجی دولت ترامپ بود که با همراهی مایک پمپئو و جان بولتون، وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری، مثلث سیاست تهاجمی ترامپ در عرصه دیپلماسی را تشکیل می‌دادند. یکی از جنجالی‌ترین اظهارات هیل درباره ایران به

حدود یک‌سال پیش؛ یعنی زمانی بازمی‌گردد که او در سازمان ملل و در کنفرانسی خبری مدعی شد که شواهد غیرقابل‌انکاری از نقض تعهدات بین‌المللی از سوی ایران در اختیار دارد که می‌خواهد آنها را فاش کند. نیکو هیل در ادامه با نمایش بقایای موشکی که حوثی‌ها به ریاض، پایتخت عربستان‌سعودی، شلیک کردند، ایران را به نقض تعهدات بین‌المللی متهم کرد. او ادعا کرد که موشک شلیک‌شده به ریاض نشان گروه صنعتی شهید باقری است. نیکو هیل با بیان اینکه این موشک وحشتناک است، سر من ایرانی است مدعی شد که دو گواه انکارناپذیر برای اثبات این نکته وجود دارد که ایران تأمین‌کننده موشک حوثی‌ها از یمن به عربستان بوده؛ اول آنکه انتری از ادوات تثبیت‌کننده در بقایای این موشک کوتاه‌برد نیست و به گفته او تنها موشک کوتاه‌برد جهان که این ادوات را ندارد، موشک قیام است. دوم اینکه نشانی شبیه گروه صنعتی شهید باقری روی بقایای آن هست. هیل همچنین بعد از اعتراضات دی‌ماه در چندین شهر ایران، خواستار جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل شد. در این نشست نیکو هیل با انتقاد از ایران مدعی شد: «در سال ۲۰۰۹ وقتی امید ایرانیان توسط حکومتشان سرکوب شد، جهان ایستاد و منفعلانه نگاه کرد. در سال ۲۰۱۸ دیگر ساکت نخواهیم ماند. یک‌بار دیگر مردم ایران به‌پا خاسته‌اند. آنها خواستار چیزی هستند که هیچ حکومت مشروعی نمی‌تواند از مردمش دریغ کند؛ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. آنها از ما کمک می‌خواهند».

حدود یک‌سال پیش؛ یعنی زمانی بازمی‌گردد که او در سازمان ملل و در کنفرانسی خبری مدعی شد که شواهد غیرقابل‌انکاری از نقض تعهدات بین‌المللی از سوی ایران در اختیار دارد که می‌خواهد آنها را فاش کند. نیکو هیل در ادامه با نمایش بقایای موشکی که حوثی‌ها به ریاض، پایتخت عربستان‌سعودی، شلیک کردند، ایران را به نقض تعهدات بین‌المللی متهم کرد. او ادعا کرد که موشک شلیک‌شده به ریاض نشان گروه صنعتی شهید باقری است. نیکو هیل با بیان اینکه این موشک وحشتناک است، سر من ایرانی است مدعی شد که دو گواه انکارناپذیر برای اثبات این نکته وجود دارد که ایران تأمین‌کننده موشک حوثی‌ها از یمن به عربستان بوده؛ اول آنکه انتری از ادوات تثبیت‌کننده در بقایای این موشک کوتاه‌برد نیست و به گفته او تنها موشک کوتاه‌برد جهان که این ادوات را ندارد، موشک قیام است. دوم اینکه نشانی شبیه گروه صنعتی شهید باقری روی بقایای آن هست. هیل همچنین بعد از اعتراضات دی‌ماه در چندین شهر ایران، خواستار جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل شد. در این نشست نیکو هیل با انتقاد از ایران مدعی شد: «در سال ۲۰۰۹ وقتی امید ایرانیان توسط حکومتشان سرکوب شد، جهان ایستاد و منفعلانه نگاه کرد. در سال ۲۰۱۸ دیگر ساکت نخواهیم ماند. یک‌بار دیگر مردم ایران به‌پا خاسته‌اند. آنها خواستار چیزی هستند که هیچ حکومت مشروعی نمی‌تواند از مردمش دریغ کند؛ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. آنها از ما کمک می‌خواهند».

حدود یک‌سال پیش؛ یعنی زمانی بازمی‌گردد که او در سازمان ملل و در کنفرانسی خبری مدعی شد که شواهد غیرقابل‌انکاری از نقض تعهدات بین‌المللی از سوی ایران در اختیار دارد که می‌خواهد آنها را فاش کند. نیکو هیل در ادامه با نمایش بقایای موشکی که حوثی‌ها به ریاض، پایتخت عربستان‌سعودی، شلیک کردند، ایران را به نقض تعهدات بین‌المللی متهم کرد. او ادعا کرد که موشک شلیک‌شده به ریاض نشان گروه صنعتی شهید باقری است. نیکو هیل با بیان اینکه این موشک وحشتناک است، سر من ایرانی است مدعی شد که دو گواه انکارناپذیر برای اثبات این نکته وجود دارد که ایران تأمین‌کننده موشک حوثی‌ها از یمن به عربستان بوده؛ اول آنکه انتری از ادوات تثبیت‌کننده در بقایای این موشک کوتاه‌برد نیست و به گفته او تنها موشک کوتاه‌برد جهان که این ادوات را ندارد، موشک قیام است. دوم اینکه نشانی شبیه گروه صنعتی شهید باقری روی بقایای آن هست. هیل همچنین بعد از اعتراضات دی‌ماه در چندین شهر ایران، خواستار جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل شد. در این نشست نیکو هیل با انتقاد از ایران مدعی شد: «در سال ۲۰۰۹ وقتی امید ایرانیان توسط حکومتشان سرکوب شد، جهان ایستاد و منفعلانه نگاه کرد. در سال ۲۰۱۸ دیگر ساکت نخواهیم ماند. یک‌بار دیگر مردم ایران به‌پا خاسته‌اند. آنها خواستار چیزی هستند که هیچ حکومت مشروعی نمی‌تواند از مردمش دریغ کند؛ حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. آنها از ما کمک می‌خواهند».



واکنش باهنر به متهم کردن «چپ» در انفجار نخست‌وزیری:

اتهام‌زنی برای رقابت‌های سیاسی

گروه سیاست: خطی را که مدتی است جریان اصلی جناح اصولگرا و رسانه‌هایشان دنبال می‌کنند، محمدرضا باهنر یکسره بر باد داد. اصولگرایان مدت‌هاست سعی دارند جناح چپ آن زمان یا اصلاح‌طلبان امروز به‌ویژه چهره‌هایی...

صفحه ۳

سال شانزدهم شماره ۲۲۴۶ ۱۶ صفحه ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

تریبون‌های حیاتی

محمدتقی فاضل‌میبدی



در دنیا دو نوع تریبون برای بیان نظرات وجود دارد؛ تریبون حزبی و تشکیلاتی و تریبون رسمی و عمومی. در تریبون حزبی و تشکیلاتی معمولاً سخنان در جهت منویات و سیاست‌های حزب و تشکیلات بیان می‌شود، معمولاً یک‌سویه و یک‌جانبه است و منافع آن حزب و هواداران آن را دنبال می‌کند. در تریبون عمومی، منافع ملی به عنوان یک اصل در نظر گرفته می‌شود و موضوعات، نه جهت‌دار است و نه در دفاع از تشکیلات و تفکر خاص سیاسی. مثلاً یک رئیس‌جمهور قبل از کاندیداتوری، حرف‌هایی در حزب متبوع خود و حتی کمپین انتخاباتی می‌زند اما وقتی رئیس‌جمهور شد، از بیان آنها به‌شدت پرهیز و تلاش می‌کند تریبون در اختیار را در راستای منافع تمامی آحاد آن کشور و حتی مخالفانش، اداره کند. در کشور ما تریبون نخست، کمتر فرصت حضور در عرصه عمومی را دارد که دلیل آن نهادینه‌نشدن تحزب و مواضعی است که در راه حرکت‌های حزبی شناسنامه‌دار در کشور ایجاد می‌شود. تریبون دوم اما بسته به شخصیتی که مسئولیت را در کشور به دست می‌گیرد، گاهی نکات لازم را رعایت می‌کند و گاهی خیر. در ایران تریبون سومی به نام وعظ و خطابه وجود دارد که جلوه‌گاه اصلی آن نماز جمعه است. این تریبون‌ها هم تریبون عمومی است با این تفاوت که ویژگی‌های دینی و مذهبی نیز دارد. بنابراین شرایطی حساس‌تر حتی از تریبون‌های رسمی و عمومی دارد. نکته‌ای که در آن مطرح می‌شود، اگر راجع به مسائل اخلاقی است، حتماً باید با در نظر داشتن وجود تنوع در کشور باشد و اگر سیاسی است، حتماً منافع ملی ایران در آن لحاظ شود و سمت و سوی حزبی و جناحی به خود نگردد. کسی که در جایگاه امام جمعه می‌ایستد، مانند رئیس‌جمهوری است که در جهت منافع کشور، از نظرات حزبی و تشکیلاتی خود صرف‌نظر می‌کند. البته هرکدام از این مقامات اعم از تریبون‌های دوم و سوم، دیدگاه‌های حزبی و جناحی دارند و حتماً می‌توانند آنها را در محافل داخلی تشکیلاتی خود بیان و دنبال کنند اما تبدیل تریبون عمومی به یک تریبون جناحی و تشکیلاتی، خطایی راهبردی است و تبعات متعددی برای کشور دارد. البته تریبون نماز جمعه حتماً وظیفه نقد منصفانه در مقابل مردم را دارد اما با در نظر گرفتن مسائل همه ارکان کشور و نه فقط یک دولت یا حتی دولت غیرهمفکر. گاهی ملاحظه شده که تریبون نماز جمعه به فرصتی برای پاک‌کردن اشتباهات یک رئیس‌جمهور نزدیک به گرایش سیاسی آنمه جمعه تبدیل شده که این نیز به اندازه نقد غیرکارشناسی، خطرناک است. تریبون نماز جمعه باید اشکالات سایر نهادها و قوا را هم ببیند و در راستای منافع ملی و با بیان فاخر و استفاده از نظرات کارشناسان در تنظیم نطق خطیب جمعه به آنها بپردازد. اینکه یکی رئیس‌جمهور در جریان انتخابات، وعده‌هایی به مردم داده و اکثریت مردم به آن وعده‌ها و برنامه‌ها رای داده‌اند و چندی‌بعد یک خطیب جمعه اعلام کند اجازه عملی شدن آنها داده نمی‌شود، خلاف عرف سیاسی و مصالح ملی است. این نکات البته خصماً می‌تواند در تشکیلات آن خطیب جمعه (در صورت وجود) نقد و تحلیل شود. نقد کار درستی است اما اگر در تریبون‌های عمومی نقدها و تحلیل‌های تشکیلاتی بیان شود، باعث کاهش اعتبار گوینده و آن تریبون‌نزد مردم و هواداران آن فرد یا دستگاه می‌شود. به طور کلی در بیان نظرات، باید دو موضوع در نظر گرفته شود؛ نخست حرف‌ها باید مسئولانه بیان شود و دوم اگر به اشتباه، به فرد یا نهادی اتهامی زده شد یا نقد ناروایی صورت گرفت، فرصت پاسخ‌گویی داده شود و البته گوینده هم در نوبت بعد که پشت تریبون قرار گرفت، سخنان خود را تصحیح کند. در غیر این صورت ممکن است فردی با یک سخنرانی یا جهت‌گیری اشتباه سرنوشت یک کشور را تغییر یا جریانی را مقابل خود قرار دهد. حضرت امیر می‌فرمایند زبان انسان عاقل پشت قلب اوست؛ یعنی به این سادگی به حرکت در نمی‌آید بلکه پیش از بیان هر موضوعی، به آن می‌اندیشد. سخنان باید خردمندانه باشد. در دنیا افرادی که مسئولیت دارند، اتاق فکر دارند. متن سخنرانی آنان حتماً بارها مورد بحث قرار گرفته و جرح و تعدیل می‌شود چراکه سرنوشت کشور در گرو سخنان مسئولان است.

ادامه در صفحه ۱۵



گفت‌وگو با علیرضا علوی تبار

فشار از پایین این بار به اصلاحات

عکس: سهند تاجی، شرق

حسین جلالی: به نظر می‌رسد کنش سیاست‌تقلیل یافته به بگویم‌گوهای فضای مجازی. جایی که نزاع‌ها معمولاً از چند جمله عبور نمی‌کنند؛ اما این تمام ماجرا نیست. تحلیلگران نیز برای طرح افق‌های معنابخش به مشکل خورده‌اند. بخشی از این دشواری را باید در میدان عملی سیاست جست‌وجو کرد؛ چراکه برقرارکردن نسبی‌نیی تحلیل‌ها، راهبردها و نظرها به واقعیت است که یک چشم‌انداز را پایدار می‌کند؛ کاری که این روزها سخت شده است. در مقابل نیروهای اجتماعی نیز توقع دارند

ما در ایران یک نیروی اجتماعی داریم که از یک لحاظ اشتراک دارند؛ آن هم بیشتر به لحاظ روشی است. اینها پذیرفته‌اند که برای رسیدن به اهداف خود، روش اصلاح‌طلبانه را در پیش بگیرند. به‌تفصیل روش اصلاح‌طلبانه را توضیح ندهم اما عناصر اصلی آن نفی خشونت، گام‌به‌گام و تدریجی‌بودن، انکار به شهروندان داخلی و پرهیز از تقلیل‌گرایی سیاسی است.

پرهیز از ایجاد جنبش توده‌ای و تکیه بر نهادهای مدنی و پرهیز از چهره کاریزماستیک و به‌دنبال رهبری جمعی و حسابرگ‌بودن نیز مؤلفه‌های دیگر آن است. مجموعه این مشخصات در مقابل روش انقلابی، روش اصلاح‌طلبانه را تشکیل می‌دهد.

اینها به‌لحاظ روش با یکدیگر اشتراک دارند. خواهان تأثیرگذاری بر عرصه سیاسی هم هستند، برای این کار سازمانده‌نی نیز می‌کنند اما در خیلی دیگر از زمینه‌ها افتراق دارند. در این گروه میزان بهره‌ای که افراد از تداوم وضع موجود می‌برند، یکسان نیست. برخی از آنها از ثروت، قدرت و منزلت برخوردار و نگران تغییر وضع موجود هستند. به‌لحاظ عمق تغییرات مورد نظرشان نیز متفاوت می‌اندیشند؛ برخی فقط درصدد تغییر کارگزاران سیاسی هستند. برخی علاوه بر تغییر کارگزاران به دنبال تغییر استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها می‌شوند. برخی هم بر این باور هستند که مشکلات سیستماتیک است و تغییرات باید ساختاری باشد. می‌خواهم بگویم مجموعه‌ای داریم که در یک بخش اشتراک دارند اما در بسیاری از وجوه متفاوت

است. بسیاری از کارگزاران سیاسی نیز که به این نیروی اجتماعی پیوستند، در جریان تحولات کاملاً دگرگون شده‌اند، اما برخی همان علایق قبل را دارند. از اول اصلاحات هم همین‌طور بود. کسانی که اصلاح‌طلب شدند سه گروه بودند؛ یکی آنهایی که برای حفظ قدرت آمدند و باید برای آن راهی پیدا می‌کردند. یک گروه برای کسب قدرت آمدند. یک گروه هم مدعی اصلاح قدرت بودند. اصلی‌ترین چیزی که اصلاح‌طلبان را به عنوان یک مجموعه به هم پیوند می‌دهد، روش اصلاح‌طلبانه و پرهیز از روش انقلابی است. دوم نارضایتی از وضع موجود است. حالا این نارضایتی چه عمقی دارد نیز متفاوت است. سوم هم تصویر میهمی از مردم‌سالاری و مردم‌سالاری بیشتر است.

حسین جلالی: به نظر می‌رسد کنش سیاست‌تقلیل یافته به بگویم‌گوهای فضای مجازی. جایی که نزاع‌ها معمولاً از چند جمله عبور نمی‌کنند؛ اما این تمام ماجرا نیست. تحلیلگران نیز برای طرح افق‌های معنابخش به مشکل خورده‌اند. بخشی از این دشواری را باید در میدان عملی سیاست جست‌وجو کرد؛ چراکه برقرارکردن نسبی‌نیی تحلیل‌ها، راهبردها و نظرها به واقعیت است که یک چشم‌انداز را پایدار می‌کند؛ کاری که این روزها سخت شده است. در مقابل نیروهای اجتماعی نیز توقع دارند

ما در ایران یک نیروی اجتماعی داریم که از یک لحاظ اشتراک دارند؛ آن هم بیشتر به لحاظ روشی است. اینها پذیرفته‌اند که برای رسیدن به اهداف خود، روش اصلاح‌طلبانه را در پیش بگیرند. به‌تفصیل روش اصلاح‌طلبانه را توضیح ندهم اما عناصر اصلی آن نفی خشونت، گام‌به‌گام و تدریجی‌بودن، انکار به شهروندان داخلی و پرهیز از تقلیل‌گرایی سیاسی است.

پرهیز از ایجاد جنبش توده‌ای و تکیه بر نهادهای مدنی و پرهیز از چهره کاریزماستیک و به‌دنبال رهبری جمعی و حسابرگ‌بودن نیز مؤلفه‌های دیگر آن است. مجموعه این مشخصات در مقابل روش انقلابی، روش اصلاح‌طلبانه را تشکیل می‌دهد.

اینها به‌لحاظ روش با یکدیگر اشتراک دارند. خواهان تأثیرگذاری بر عرصه سیاسی هم هستند، برای این کار سازمانده‌نی نیز می‌کنند اما در خیلی دیگر از زمینه‌ها افتراق دارند. در این گروه میزان بهره‌ای که افراد از تداوم وضع موجود می‌برند، یکسان نیست. برخی از آنها از ثروت، قدرت و منزلت برخوردار و نگران تغییر وضع موجود هستند. به‌لحاظ عمق تغییرات مورد نظرشان نیز متفاوت می‌اندیشند؛ برخی فقط درصدد تغییر کارگزاران سیاسی هستند. برخی علاوه بر تغییر کارگزاران به دنبال تغییر استراتژی‌ها و خط‌مشی‌ها می‌شوند. برخی هم بر این باور هستند که مشکلات سیستماتیک است و تغییرات باید ساختاری باشد. می‌خواهم بگویم مجموعه‌ای داریم که در یک بخش اشتراک دارند اما در بسیاری از وجوه متفاوت

است. بسیاری از کارگزاران سیاسی نیز که به این نیروی اجتماعی پیوستند، در جریان تحولات کاملاً دگرگون شده‌اند، اما برخی همان علایق قبل را دارند. از اول اصلاحات هم همین‌طور بود. کسانی که اصلاح‌طلب شدند سه گروه بودند؛ یکی آنهایی که برای حفظ قدرت آمدند و باید برای آن راهی پیدا می‌کردند. یک گروه برای کسب قدرت آمدند. یک گروه هم مدعی اصلاح قدرت بودند. اصلی‌ترین چیزی که اصلاح‌طلبان را به عنوان یک مجموعه به هم پیوند می‌دهد، روش اصلاح‌طلبانه و پرهیز از روش انقلابی است. دوم نارضایتی از وضع موجود است. حالا این نارضایتی چه عمقی دارد نیز متفاوت است. سوم هم تصویر میهمی از مردم‌سالاری و مردم‌سالاری بیشتر است.

است. بسیاری از کارگزاران سیاسی نیز که به این نیروی اجتماعی پیوستند، در جریان تحولات کاملاً دگرگون شده‌اند، اما برخی همان علایق قبل را دارند. از اول اصلاحات هم همین‌طور بود. کسانی که اصلاح‌طلب شدند سه گروه بودند؛ یکی آنهایی که برای حفظ قدرت آمدند و باید برای آن راهی پیدا می‌کردند. یک گروه برای کسب قدرت آمدند. یک گروه هم مدعی اصلاح قدرت بودند. اصلی‌ترین چیزی که اصلاح‌طلبان را به عنوان یک مجموعه به هم پیوند می‌دهد، روش اصلاح‌طلبانه و پرهیز از روش انقلابی است. دوم نارضایتی از وضع موجود است. حالا این نارضایتی چه عمقی دارد نیز متفاوت است. سوم هم تصویر میهمی از مردم‌سالاری و مردم‌سالاری بیشتر است.

ادامه در صفحه ۶